

## Legitimacy of the Use of Force in Self-Defense Against Non-State Actors and Its Impact on Host State Rights

Safiye Etemad<sup>1</sup>, Peyman Blouri<sup>2</sup>, Malek Zolghadr<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** The right of self-defense against non-state actors has gradually gained recognition in state practice. However, its acceptance faces a fundamental challenge: why does the use of defensive force within the territory of another state not constitute a violation of that state's sovereignty? In practice, states invoking self-defense against non-state actors usually justify their actions by pointing to the host state's alleged involvement with such actors. Nevertheless, from a legal perspective, the basis for such justification remains unclear.

**Method:** This research adopts a descriptive-analytical approach, drawing on legal doctrines, scholarly debates, and state practice to examine the different interpretations of host state involvement in the conduct of non-state actors.

**Findings and Conclusions:** Various legal theories have been proposed: some equate host state involvement with "attribution," others interpret it as "complicity," while another view regards it as a breach of the host state's duty to prevent harm to other states from its territory. Yet, none of these approaches has achieved broad consensus. This article explores an alternative and less-discussed solution: treating self-defense as a circumstance precluding wrongfulness. Although this solution also appears incomplete and international law still retains ambiguities in this regard, it may nonetheless provide a more coherent framework for the development of the concept of self-defense against non-state actors.

**Keywords:** Self-defense, Non-state Actors, Use of Force, Host State, Armed Attack.

\*Citation (APA): Etemad, S.; Blouri, P.; Zolghadr, M. (2024). Legitimacy of the Use of Force in Self-Defense Against Non-State Actors and Its Impact on Host State Rights. *International Legal Research*, 17(66), 113-135.

1. PhD Candidate in International Law, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. Email: safiyeetamad@gmail.com

2. Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. (Author). Email: bolori-p@gmail.com

3. Associate Professor, Department of political science, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. Email: Malek\_Zolghader@yahoo.com

## مشروعیت توسل به زور در دفاع مشروع علیه بازیگران غیر دولتی و تأثیر آن بر حقوق دولت میزبان

صفیه اعتماد<sup>۱</sup>، پیمان بلوری<sup>۲</sup>، مالک ذوالقدر<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** حق دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی به تدریج در رویه دولت‌ها جایگاه بیشتری یافته است. با این حال، پذیرش این حق با چالشی اساسی روبه‌رو است: چرا توسل به نیروی دفاعی در قلمرو یک دولت دیگر نقض حاکمیت سرزمینی آن دولت محسوب نمی‌شود؟ در عمل، دولت‌هایی که به دفاع مشروع علیه بازیگران غیردولتی استناد می‌کنند، معمولاً دخالت یا همکاری دولت میزبان با این بازیگران را مبنای توجیه اقدام خود قرار می‌دهند. با این وجود، از منظر حقوقی، مبنای چنین توجیهی همچنان نامشخص است.

**روش:** این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از دکترین‌های حقوقی، دیدگاه‌های علمی و رویه دولت‌ها، به بررسی تفسیرهای مختلف از مفهوم دخالت دولت میزبان در اقدامات بازیگران غیردولتی می‌پردازد.

**یافته‌ها و نتایج:** دیدگاه‌های گوناگونی در این زمینه مطرح شده است: برخی دخالت دولت میزبان را معادل «انتساب» دانسته‌اند، برخی آن را «همدستی» تعبیر کرده‌اند و گروهی دیگر آن را نقض تعهد دولت میزبان در جلوگیری از ورود زیان به سایر کشورها از قلمرو خود تلقی کرده‌اند. با این حال، هیچ یک از این رویکردها نتوانسته‌اند اجماع گسترده‌ای به دست آورند. این مقاله راه‌حل متفاوت و کمتر مورد توجهی را بررسی می‌کند: تلقی دفاع مشروع به عنوان «شرایط رافع مسئولیت بین‌المللی». گرچه این راه‌حل نیز کامل به نظر نمی‌رسد و حقوق بین‌الملل همچنان در این زمینه با ابهاماتی مواجه است، اما می‌تواند چارچوب منطقی مناسب‌تری برای توسعه مفهوم دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی فراهم کند.

**کلیدواژه‌ها:** دفاع مشروع، بازیگران غیردولتی، توسل به زور، دولت میزبان، حمله مسلحانه.

\* استناددهی (APA): اعتماد، صفیه؛ بلوری، پیمان و ذوالقدر، مالک. (۱۴۰۳). مشروعیت توسل به زور در دفاع مشروع علیه بازیگران غیردولتی و تأثیر آن بر حقوق دولت میزبان. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۶)، ۱۳۵-۱۱۳.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. رایانامه: Safyeetamad@gmail.com
۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. رایانامه: bolori-p@gmail.com
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. رایانامه: Malek\_Zolghader@yahoo.com

## مقدمه

توسل به زور توسط بازیگران غیردولتی، پدیده‌ای پیچیده و چالشی در حقوق بین‌الملل معاصر است که با پیشرفت‌های فناوری و توانمندی‌های نظامی این گروه‌ها تشدید شده است. این تغییرات، واکنش دولت‌ها به تهدیدات غیردولتی را نیز پیچیده کرده و پرسش مهمی را مطرح می‌کند: آیا دولت‌ها می‌توانند در پاسخ به حملات گروه‌های غیردولتی، از حق دفاع مشروع استفاده کنند؟

در چارچوب سنتی حقوق بین‌الملل و پس از شکل‌گیری منشور ملل متحد، توسل به زور به طور کلی ممنوع است و تنها در موارد دفاع مشروع یا با مجوز شورای امنیت مجاز شمرده می‌شود (رویز، ۲۰۱۰: ۴۸۸). دفاع مشروع در این رویکرد معمولاً محدود به روابط میان دولت‌ها است و حملات گروه‌های غیردولتی که مستقیماً به دولت‌ها نسبت داده نمی‌شوند، خارج از این چارچوب تلقی می‌گردند. با این حال، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موجب شد تا بسیاری از کشورها، به‌ویژه ایالات متحده، به‌طور علنی از حق دفاع مشروع علیه گروه‌های غیردولتی بهره‌گیرند (رویز، ۲۰۱۰: ۴۸۷). این رویکرد در مقابله با گروه‌هایی مانند القاعده و داعش نیز به کار گرفته شد، اما هنوز به‌طور کامل در عرصه بین‌المللی پذیرفته نشده و برخی کشورها آن را مغایر با حاکمیت ملی و تمامیت ارضی دولت‌ها می‌دانند (رویز، ۲۰۰۵: ۳۱۰).

برای توجیه دفاع مشروع علیه گروه‌های غیردولتی، باید نوعی ارتباط میان دولت میزبان و گروه مهاجم وجود داشته باشد. این ارتباط می‌تواند به شکل مستقیم، مانند حمایت مالی یا نظامی، یا به صورت غیرمستقیم، مانند ناتوانی یا بی‌تمایلی دولت میزبان در مقابله با گروه‌ها، تفسیر شود (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۱۹؛ تامز، ۲۰۰۹: ۱۰۵۰-۱۰۴۹). نحوه ارزیابی این ارتباط نقش کلیدی در مشروعیت دفاع مشروع دارد، زیرا در شرایطی که دولت میزبان فعالانه از گروه‌های مهاجم حمایت کند، اعمال زور علیه آن دولت توجیه‌پذیر خواهد بود؛ اما در موارد غیرمستقیم، مسائل حقوقی پیچیده‌تر می‌شود، مانند شرایط سوریه و عراق در مقابله با داعش.

از منظر حقوق بین‌الملل اسلامی، دفاع مشروع یا «جهاد تدافعی» تنها زمانی مشروع است که تجاوز به صورت قطعی و فوری رخ داده باشد و راه‌های مسالمت‌آمیز پاسخ‌دهی به تهدید غیرممکن شده باشد. رعایت اصولی چون تناسب، عدم ضرر به غیرنظامیان و احترام به حاکمیت دولت میزبان الزامی است (ضیاء‌ی بیگدلی، ۱۳۷۰: ۴۱۲؛ بیورزنی، ۱۴۰۰: ۱۱۶). این رویکرد متوازن، ضمن تأکید بر حق امت اسلامی برای دفاع، حرمت تمامیت ارضی دولت‌های مستقل را نیز رعایت می‌کند.



در نهایت، برای مشروعیت توسل به زور علیه گروه‌های غیردولتی، وجود مبنای حقوقی روشن و دقیق ضروری است. این مبنا می‌تواند از طریق تفسیرهای نوین حقوق بین‌الملل، استناد به ماده ۲۱ طرح مسئولیت دولت‌ها و اصول اسلامی شکل گیرد (کاسسه، ۱۴۰۳: ۴۳). چنین چارچوبی، امکان دفاع مشروع را در شرایط تهدید فراهم می‌کند و در عین حال، با رعایت اصول بین‌المللی و موازین شرعی، حرمت حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها را حفظ می‌نماید.

### ۱. دفاع مشروع به عنوان شرایطی منتفی‌کننده منع توسل به زور

تا پیش از سال ۱۹۴۵، نهاد «شرایط جنگی»<sup>۱</sup> (که به آن جنگ «رسمی» یا «فنی»<sup>۲</sup> نیز گفته می‌شد) حاکم بر روابط حقوقی میان دول متخاصم بود (رایت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷: ۳۶۳-۳۶۲). در این وضعیت، قانون صلح کاملاً کنار گذاشته می‌شد و قانون جنگ جایگزین آن می‌گردید. همچنین، در چنین شرایطی، قراردادهای صلح‌زمانه یا به طور کامل منحل می‌شدند یا حداقل به حالت تعلیق درمی‌آمدند (نصف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۱۷۷). به این ترتیب، اقدامات نظامی که هر یک از طرفین درگیر در جنگ اتخاذ می‌کرد، نمی‌توانست حقوق و تعهدات حاکم بر روابط آن‌ها در زمان صلح را نقض یا حتی تحت تأثیر قرار دهد.<sup>۵</sup>

امروزه، «شرایط جنگی» بیشتر مثل گذشته مطرح نیست و دیگر، دولت‌ها ادعای قرار گرفتن در «شرایط جنگی» ندارند؛ حتی زمانی که در حال درگیری‌های مسلحانه هستند (خسروی، ۱۳۷۴: ۱۲۰). در شرایط کنونی، دولتی که در جنگ مسلحانه شرکت دارد، به صورت رسمی در وضعیت «صلح» باقی می‌ماند (کرافورد<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹: ۷۵). این بدان معناست که تمام روابط حقوقی آن دولت‌ها در طول مدت درگیری‌های نظامی برقرار است.<sup>۷</sup> در چنین شرایطی، استفاده از زور می‌تواند روابط حقوقی مختلف میان دولت‌ها را دچار اختلال کند (نصف، ۲۰۰۵: ۳۳۵)؛ برای مثال، اگر از زور در قلمرو یک دولت استفاده شود، این عمل علاوه بر نقض ممنوعیت توسل به زور، به عنوان تداخل در حاکمیت سرزمینی آن دولت و حق آن برای مصون ماندن از مداخله خارجی نیز محسوب می‌شود (عبداللهی، بهزادی، ۱۳۹۹: ۱۸۳).

به طور معمول، این اختلالات نقض قوانین بین‌المللی را تشکیل می‌دهند؛ اما اگر یک دولت برای دفاع از خود از زور استفاده کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ طبق حقوق عرفی بین‌الملل، دولت‌ها حق دارند در صورت وقوع حمله مسلحانه، از خود دفاع کنند. این حق به طور گسترده‌ای به

1. State of war

2. Formal or technical war

3. Wright

4. Neff

5. North Atlantic Coast Fisheries Case (Great Britain/US) (NATIONS UNIES - UNITED NATIONS, 1910) 11 para 167

6. Crawford

7. ARS art 21 Commentary, at para. 2; James., *Second Report on State Responsibility*, UN Doc. A/CN.4/498 and Add.1-4 (1999), at 75.

رسمیت شناخته شده<sup>۱</sup> و در ماده ۵۱ منشور ملل متحد به صراحت پیش‌بینی شده است و معمولاً، به عنوان «استثنا» از ممنوعیت توسل به زور شناخته می‌شود. بنابراین، توسل به زور در دفاع مشروع که از ممنوعیت آن مستثنی شده است، خود نقض این ممنوعیت به حساب نمی‌آید؛<sup>۲</sup> اما آیا این اقدام دفاعی می‌تواند در روابط حقوقی دیگر دولت‌ها نیز قانونی باشد؟ در این زمینه، ماده ۲۱ طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال خلاف حقوق بین‌الملل به‌طور ویژه برای توجیه نقض حقوق دیگر دولت‌ها به دلیل استفاده از زور دفاعی در نظر گرفته شده است.

### ۱-۱. تأثیرات دفاع مشروع بر روابط حقوقی دولت قربانی و دولت مهاجم

برای تبیین عملکرد و دامنه ماده ۲۱، روابط حقوقی میان دولت‌های درگیر در مخاصمه مسلحانه به سه دسته تقسیم می‌شود: نخست، روابط متأثر از ممنوعیت توسل به زور و استثنای آن، یعنی حق دفاع مشروع؛ دوم، سایر روابط حقوقی (قراردادی یا عرفی) مانند حاکمیت سرزمینی، عدم مداخله، حقوق تجاری و فناوری؛ و سوم، روابطی که دولت‌ها در آن ملزم به رعایت «احتیاط کامل» هستند، همچون قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی (باکستر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰: ۵۴۹). حق دفاع مشروع مشروع به‌عنوان یک قاعده عرفی می‌تواند نقض روابط دسته اول و دوم را توجیه کند: مشروعیت استفاده از زور در دسته اول با ماده ۵۱ و مشروعیت آسیب به روابط دسته دوم با ماده ۲۱ تبیین می‌شود؛ اما روابط دسته سوم، حتی در شرایط دفاع مشروع، غیرقابل نقض اند.<sup>۴</sup>

#### ۱-۱-۱. دسته نخست رابطه حقوقی: مشروعیت توسل به زور

بر اساس اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، دولت‌ها مکلف به رعایت تعهد خود مبنی بر عدم توسل به زور علیه یکدیگرند؛ تعهدی که در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد تصریح شده و از قواعد آمره<sup>۵</sup> به شمار می‌رود. با این وجود، این قاعده دارای یک استثنای شناخته‌شده است و آن حق دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه است (هلمرسن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴: ۱۶۷). بنابراین، توسل به زور اصولاً ممنوع است، مگر آنکه در مقام دفاع مشروع اعمال گردد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) در تفسیر خود، ممنوعیت توسل به زور و استثنای دفاع مشروع را به‌عنوان اجزای یک هنجار واحد تلقی می‌کند.<sup>۷</sup> به بیان ساده: «استفاده از زور ممنوع است، مگر در دفاع مشروع» (کامرهوفر<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱: ۹). این برداشت بر پایه نظر دولت‌ها شکل گرفته

1. Nicaragua, Memorial of Nicaragua (1985), *ICJ Pleadings*, vol. IV, at 115.  
 2. *Border and Transborder Armed Actions* (Nicaragua v. Costa Rica), ICJ, Memorial of Nicaragua (1987), at 109.  
 3. Baxter  
 4. ARS art 21 Commentary, at para. 4. ICJ Rep. 226, at 242, para. 30.  
 5. Jus Cogens  
 6. Helmersen  
 7. Ethiopia (1980), *UN Doc. A/C.6/35/SR.51*, at 12, para. 46.  
 8. Kammerhofer





است که دفاع مشروع را نه مغایر با ممنوعیت توسل به زور، بلکه از آغاز امری مشروع و خارج از شمول آن ممنوعیت دانسته‌اند (ولر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۱۱۷۲-۱۱۷۵؛ فلسفی، ۱۳۷۱: ۹۱).

با این حال، رویکرد کمیته حقوق بین‌الملل ILC با انتقاداتی مواجه شده است. برخی حق دفاع مشروع را قاعده‌ای مستقل می‌دانند که در کنار قاعده ممنوعیت قرار دارد. در این صورت، دو قاعده نسبت به یک وضعیت واحد اعمال می‌شوند: ممنوعیت استفاده از زور آن را غیرقانونی می‌داند و قاعده دفاع مشروع همان عمل را مجاز می‌شمارد. این وضعیت منجر به تعارض هنجاری می‌شود که تنها با اصل «برتری قاعده بالاتر»<sup>۲</sup> قابل حل است. اگر ممنوعیت توسل به زور مقدم باشد، دفاع مشروع غیرقانونی خواهد بود؛ نتیجه‌ای که با رفتار دولت‌ها در عمل سازگار نیست.<sup>۳</sup>

برای حل این پارادوکس، دو راه حل مطرح گردیده است: نخست، تلقی دفاع مشروع به عنوان قاعده‌ای بنیادین و الزام‌آور برتر از سایر قواعد؛ دوم، محدود کردن الزام‌آوری به ممنوعیت «تجاوز» و نه همه اشکال توسل به زور؛ بدین ترتیب، تعارض به سطح قواعد عادی تقلیل یافته و دفاع مشروع به دلیل خاص بودن، برتری می‌یابد. با این حال، هیچ‌یک از این دو تفسیر در حقوق بین‌الملل مثبت پشتوانه‌ای ندارد؛ چرا که دولت‌ها نه دفاع مشروع را در زمره قواعد آمره شناسایی کرده‌اند و نه از الزام‌آوری کامل ممنوعیت توسل به زور صرف‌نظر نموده‌اند.

بر این اساس، هرچند برداشت کمیسیون حقوق بین‌الملل به دلیل سادگی و انسجام بیش از حد، مورد انتقاد قرار گرفته است، اما همچنان دقیق‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین تفسیر در خصوص رابطه میان قاعده ممنوعیت، توسل به زور و استثنای دفاع مشروع به شمار می‌رود.

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد استفاده از زور را در حقوق بین‌الملل ممنوع می‌داند، اما ماده ۵۱ این منشور، امکان توسل به زور را در چارچوب دفاع از خود مجاز می‌شمارد. بر اساس متن این ماده، معمولاً چنین تفسیر می‌شود که دفاع مشروع از طریق زور، زمانی معتبر است که یک دولت در برابر حمله دولت دیگر قرار گیرد. باین حال، شدت استفاده از زور باید به حدی برسد که بتوان آن را در چارچوب حمله مسلحانه تعریف کرد. بررسی رویه دولت‌ها در اجلاس‌های مربوط به تعریف تجاوز نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها معتقدند تنها شدیدترین اشکال توسل به زور، حمله مسلحانه محسوب می‌شود (احمدی‌فرد و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۶). در پرونده نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری اظهار داشت که «امروزه، توافق کلی بر سر ماهیت اقداماتی که می‌توان آن‌ها را حمله مسلحانه تلقی کرد، وجود دارد».<sup>۴</sup>

1. Weller

2. lex superior

3. Nicaragua, Memorial of Nicaragua, ICJ Pleadings, vol IV (1985), at 110-111; and oral statement, ICJ Pleadings, vol V (1985), at 210-212.

4. Case Concerning Military and Paramilitary Activities In and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America); Merits, International Court of Justice (ICJ), 27 June 1986, para. 195

در تفسیر ماده ۵۱ منشور، عوامل متعددی مانند میزان زور، هدف، هویت مهاجم، ماهیت نظامی اقدام و قابلیت انتساب آن به دولت اهمیت دارد. حمله مسلحانه تنها محدود به تجاوز به سرزمین یک کشور (از جمله حریم هوایی و آب‌های سرزمینی) نیست، بلکه حمله به نیروهای نظامی، سفارتخانه‌ها، شهروندان در خارج از مرزها و حتی کشتی‌ها و هواپیماهای غیرنظامی را نیز شامل می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا این مفهوم به سایر ابعاد فرامرزی هم تسری می‌یابد یا خیر. ماده ۵۱ به دولت‌ها اجازه توسل به زور در دفاع مشروع را می‌دهد، در حالی که ماده ۲ بند ۴ هرگونه استفاده از زور را ممنوع کرده است. در واقع، دفاع مشروع استثنایی بر ممنوعیت توسل به زور محسوب می‌شود. با این حال، این حق مجوز نقض سایر حقوق دولت مهاجم را نمی‌دهد.

در خصوص عملیات «طوفان الاقصی»، اسرائیل اقدامات خود علیه مردم فلسطین را ذیل دفاع مشروع توجیه می‌کند و کشورهای چون آمریکا، فرانسه و بریتانیا نیز از این موضع حمایت کرده‌اند.<sup>۱</sup> با این وجود، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۲۰۰۴ درباره دیوار حائل اعلام کرد اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی حق دفاع مشروع ندارد. هرچند اسرائیل مدعی خروج از غزه در سال ۲۰۰۵ است، اما دیدگاه غالب این است که اشغال از ۱۹۶۷ تاکنون ادامه داشته و عقب‌نشینی جزئی این وضعیت را تغییر نداده است (محمدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۲۹).

از منظر جایگاه حماس، اگر آن به عنوان ارگان دولت فلسطین تلقی شود، چون اسرائیل فلسطین را به رسمیت نمی‌شناسد، اقدامات حماس حمله مسلحانه دولت علیه دولت نیست و در نتیجه، توسل اسرائیل به زور تجاوز محسوب می‌شود. اگر فلسطین دولت تلقی شود، ولی حماس گروهی غیردولتی باشد، حملات ۱۷ اکتبر به فلسطین نسبت داده نمی‌شود و باز هم دفاع مشروع اسرائیل قابل پذیرش نیست. برخی معتقدند که ماده ۵۱ عامل حمله را مشخص نکرده و دفاع مشروع حقی مستقل است، بنابراین اسرائیل در برابر حماس می‌تواند به آن استناد کند (تساگوریاس، ۲۰۲۳: ۷۷)؛ اما این دیدگاه مشکل دارد، زیرا دفاع مشروع تنها استثنایی بر قاعده منع توسل به زور است و در غیاب ممنوعیت، استثناء قابل اعمال نیست. همچنین، برخی بر این باورند که با ابهام در وضعیت غزه، ماده ۲ بند ۴ قابل استناد نیست و در نتیجه، ماده ۵۱ نیز اجرا نمی‌شود؛ مگر آنکه اسرائیل علیه نهادی که مشمول حمایت ماده ۲(۴) است، اقدام کند (محمدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۳۳).

## ۲-۱-۱. دسته دوم روابط حقوقی: سایر حقوق دولت مهاجم

دولت‌های قربانی و مهاجم علاوه بر ممنوعیت توسل به زور، به طیفی متنوع از حقوق و تعهدات عرفی و قراردادی نیز مقید هستند که ممکن است بر اثر اقدامات نظامی نقض شوند.<sup>۲</sup> در پرونده

1. ICJ Advisory Opinion on the Legal Consequences of the Construction of a Wall in the OPT – ICJ document, 9 July 2024, para 139

2. Guyana v Suriname, Award, 17 September 2007, UNCLOS Annex VII Tribunal (2007), at 147, para. 445.



«سکوهای نفتی»، دیوان بین‌المللی دادگستری حمله به کشتی نظامی را حمله مسلحانه دانست، اما احتمال حمله مسلحانه علیه کشتی تجاری را نیز منتفی ندانست (احمدی فرد و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۷). این و دیگر آراء نشان می‌دهند که تعهدات بین‌المللی متنوعی چون معاهدات تجاری، توافقات هوانوردی یا تعهد به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌توانند به واسطه توسل به زور نقض شوند (ممتاز، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

مسئله اصلی این است که آیا چنین نقض‌هایی حتی در چارچوب دفاع مشروع توجیه‌پذیرند یا خیر. رویه دیوان (مانند «کرواسی علیه صربستان») نشان می‌دهد که یک اقدام می‌تواند در یک حوزه حقوقی قانونی و در حوزه دیگر، غیرقانونی باشد<sup>۱</sup>. بدین ترتیب، دفاع مشروع ممکن است در ممنوعیت توسل به زور موجه باشد، اما در ارتباط با حاکمیت سرزمینی یا عدم مداخله غیرقانونی تلقی شود.

ماده ۲۱ به‌طور خاص به توجیه آسیب‌های غیرمستقیم ناشی از دفاع مشروع پرداخته است. هرچند دیوان صریحاً نپذیرفته که دفاع مشروع می‌تواند این نقض‌ها را توجیه کند (پادئو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵: ۴۵)، اما از رویه آن در پرونده‌های «نیکاراگوئه» و «جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا» استنباط می‌شود که اگر دفاع مشروع ثابت باشد، نقض حاکمیت یا عدم مداخله نیز منتفی خواهد شد.

در رویه دولتی نیز این موضوع مطرح بوده است. در پرونده «سکوهای نفتی»، آمریکا به استناد ماده ۲۱ ادعا کرد که اقداماتش ناقض معاهده ۱۹۵۵ ایران و آمریکا نیست، زیرا در چارچوب دفاع مشروع صورت گرفته است (احمدی فرد و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۸). ایران نیز اصل این استدلال را پذیرفت و تأکید کرد که اگر دفاع مشروع ثابت شود، ایالات متحده از مسئولیت معاف خواهد بود.

در نتیجه، به نظر می‌رسد که دفاع مشروع در حقوق عرفی می‌تواند نقض‌های جانبی سایر تعهدات بین‌المللی را توجیه کند. ماده ۲۱ اصول مسئولیت دولت‌ها نیز همین کارکرد را به‌عنوان مکمل ماده ۵۱ منشور ثبت کرده است؛ ماده ۵۱ اثر دفاع مشروع بر ممنوعیت توسل به زور و ماده ۲۱ آثار آن بر سایر روابط حقوقی را مشخص می‌کند.

### ۳-۱-۱. دسته سوم روابط حقوقی: تعهدات ناشی از «ممنوعیت کامل»

دفاع مشروع به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند آسیب‌های جانبی ناشی از توسل را نسبت به تمام تعهدات دولت قربانی یا حقوق دولت متجاوز توجیه کند (سواری، اصلانی، ۱۳۹۱: ۷۲). تفسیر ماده ۲۱ صراحتاً تعهدات موسوم به «تعهدات ناشی از ممنوعیت کامل» را از شمول خود خارج کرده است. این

1. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v Serbia) (2015), ICJ, Judgment of 3 February 2015, at para. 474  
2. Paddeu



تعهدات که پس از نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سلاح‌های هسته‌ای مطرح شدند، محدودیت‌های قطعی برای دولت‌ها حتی در زمان جنگ به شمار می‌آیند؛ از جمله آن‌ها می‌توان به حقوق بشر غیرقابل تغییر، اصول غیرقابل تخطی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و سایر تعهدات محدودکننده رفتار در جنگ اشاره کرد.<sup>۱</sup> این استثنا در پرونده سکوه‌ای نفتی<sup>۲</sup> از سوی ایران و در پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا از سوی اوگاندا مورد استناد قرار گرفت. در این دعاوی تأکید شد که دفاع مشروع تحت هیچ شرایطی نقض حقوق بشر و اصول بشردوستانه را توجیه نمی‌کند. بنابراین، از آنجا که این تعهدات از شمول دفاع مشروع خارج هستند، در این مطالعه به آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

## ۲-۱. تأثیر نیروی (دفاعی) بر دولت‌های ثالث

تفسیر ماده ۲۱ به‌صراحت بیان می‌کند که «اثر اصلی» این ماده این است که از غیرقانونی بودن رفتار دولت در حال دفاع مشروع در برابر دولتی که حمله کرده است، جلوگیری می‌کند. با این حال، استفاده از زور در روابط بین‌الملل ممکن است علاوه بر این، بر حقوق دول ثالث (بی‌طرف) نیز تأثیر بگذارد.<sup>۳</sup> بنابراین، این سوال مطرح می‌شود که آیا دفاع مشروع می‌تواند توجیه‌کننده نقض حقوق دول ثالث باشد؟

در ابتدای تدوین «مقررات مسئولیت دولت‌ها»، کمیسیون به‌طور قطعی این امکان را رد کرده بود که دفاع مشروع بتواند نقض حقوق دول ثالث را توجیه کند. تفسیر ماده ۳۴ پیش‌نویس، که پیش‌درآمدی برای ماده ۲۱ بود، در این زمینه به‌طور شفاف بیان کرده بود که هدف ماده ۳۴ این است که از غیرقانونی بودن آسیب غیرمستقیم که ممکن است یک دولت ثالث در پی اقدامات دفاعی علیه دولتی مهاجم متحمل شود، جلوگیری کند. بدین ترتیب، منافع دول ثالث «به‌طور (احمدی‌فرد و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۷) داد. به‌دنبال پیشنهاد گزارشگر ویژه، آقای کرافورد، کمیسیون در سال ۱۹۹۹ اذعان کرد که و اضافه کرد که «نیازی به ذکر صریح این موضوع» در متن یا تفسیر ماده ۲۱ وجود ندارد، زیرا این مسئله «به‌طور کافی توسط قواعد اصلی مرتبط پوشش داده شده است.» (کرافورد، ۱۹۹۹: «یک دولت در حال دفاع مشروع ممکن است حق داشته باشد علیه یک دولت ثالث اقدام کند»<sup>۴</sup> ۳۰۲). به‌منظور انعکاس این تغییر، تفسیر ماده ۲۱ هم‌اکنون اشاره می‌کند که این ماده «تمام مسائل مربوط به اثرات اقدام در دفاع مشروع در برابر دول ثالث را باز می‌گذارد.»<sup>۵</sup>

1. ARS art 21 Commentary, at para. 4.

2. Iran statement, Oil Platforms, CR 2003/5, at 41, para. 29. (references omitted)

3. ARS art 21 Commentary, at para. 5.

4. Ibid

5. ARS art 21 Commentary, at para. 5.



## ۲. شرایط سلب وصف «نامشروع بودن» دفاع و توسل به زور علیه بازیگران غیردولتی<sup>۱</sup>

کارگروه کمیسیون حقوق بین الملل<sup>۲</sup> در خصوص ماده ۲۱ فرض را بر این گذاشته بود که دفاع مشروع در زمینه روابط میان دولتی اعمال می شود.<sup>۳</sup> به طور کلی، هرگاه دفاع مشروع میان دو دولت اعمال شود- حتی زمانی که حمله مسلحانه توسط یک طرف خصوصی انجام شده، ولی به آن دولت منتسب باشد (کرافوردف، ۲۰۱۲: ۱۵۸)؛ و استفاده از زور مطابق با اصول (حق دفاع مشروع)<sup>۴</sup> باشد، دفاع مشروع به طور طبیعی اثر جانبی توجیه نقض های غیرمستقیم حقوق دولت مهاجم را نیز به همراه خواهد داشت (تراپ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷: ۱۴۲)؛ اما آیا این مقرر می تواند در شرایطی که حملات مسلحانه از سوی بازیگران غیردولتی صورت می گیرد، قابل اعمال باشد؟ به عبارت دیگر، آیا در مواردی که دفاع مشروع علیه یک بازیگر غیردولتی در قلمرو دولت میزبان اجرا می شود، می توان استفاده از زور دفاعی را به گونه ای توجیه کرد که حقوق دولت میزبان آسیب نیند؟

در اینجا، تفاوت مهمی بین وضعیت «اساسی» که ماده ۲۱ به آن اشاره دارد و این حالت وجود دارد. در این سناریو، یک طرف اضافی به نام بازیگر غیردولتی وارد معادله می شود. این طرف اضافی در سطح نخستین رابطه حقوقی، یعنی رابطه میان دولت قربانی و دولت میزبان، دخالت می کند. اصولاً، ممنوعیت استفاده از زور میان این دو دولت، یعنی دولت قربانی و دولت میزبان، وجود دارد. با این حال، استثنای دفاع مشروع می تواند یک طرف ثالث را نیز، یعنی بازیگر غیردولتی، در بر بگیرد. دولت قربانی طبق قانون موظف است از زور استفاده نکند، مگر آنکه خود هدف حمله قرار گیرد که این حمله ممکن است از سوی یک طرف خصوصی باشد (تامز، ۲۰۰۹: ۳۸۵). به عبارتی دیگر، هرگاه یک دولت هدف حمله مسلحانه قرار گیرد، خواه این حمله از سوی یک دولت باشد یا یک بازیگر غیردولتی، آن دولت مجاز به دفاع مشروع از خود است. این اجازه در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل به طور قانونی تضمین شده است که به طور غیرمستقیم از ماده ۲(۴) منشور حمایت می کند و تضمین می کند که استفاده از زور در دفاع مشروع با ممنوعیت استفاده از زور مغایرت ندارد، حتی اگر این زور علیه یک بازیگر غیردولتی باشد.

اما این طرف اضافی که بازیگر غیردولتی است، توسط دومین دسته از روابط حقوقی که میان دولت قربانی و دولت میزبان قرار دارند، پوشش داده نمی شود. این روابط تنها میان دولت قربانی و

۱. در این عبارت، منظور وضعیتی است که سبب برطرف شدن وصف غیرقانونی بودن دفاع مشروع و کاربست زور علیه کنشگران غیردولتی است.

2. ILC

3. ARS art 21 Commentary, at para. 5

4. jus ad bellum

5. Trapp

دولت میزبان وجود دارند. به همین دلیل است که «معضل» اصلی مطرح می‌شود؛ یعنی دولت قربانی ممکن است حق دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی را داشته باشد، اما استفاده از زور دفاعی ممکن است به حقوق دولت میزبان آسیب وارد کند.

دانشمندان حقوق بین‌الملل راه‌حل‌های مختلفی برای حل این معضل ارائه کرده‌اند. همانطور که در ابتدای بحث اشاره شد، تمامی این راه‌حل‌ها بر پایه یک پیش‌فرض مشترک استوارند: اینکه دولت میزبان به‌طور خاص با گروه‌های خصوصی که حمله مسلحانه را ترتیب داده‌اند، درگیر است. نوع و میزان درگیری این دولت‌ها معمولاً با معیاری به نام «عدم تمایل یا ناتوانی» سنجیده می‌شود؛ معیاری که خودش تا حدی مبهم بوده و گاهی اوقات از سوی برخی دولت‌ها مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. با این حال، آنچه که در اینجا حائز اهمیت است، این است که چگونه می‌توان موضوع درگیری دولت میزبان با این گروه‌ها را به‌عنوان مبنای توجیه حقوقی مطرح کرد و اینکه که چرا توسل به زور دفاعی در قلمرو دولت میزبان نمی‌تواند حقوق آن دولت را نقض کند. بخش بعدی به بررسی و نقد سه رویکرد اصلی که در ادبیات علمی حقوق بین‌الملل برای پاسخ به این پرسش ارائه شده است، خواهد پرداخت. سپس، در این قسمت، این پرسش مورد بررسی قرار خواهد گرفت که آیا ماده ۲۱ مقررات مسئولیت دولتها می‌تواند در این زمینه نقشی ایفا کند یا خیر.

## ۱-۲. ناکافی بودن رویکردهای اصلی

پژوهش‌های حقوقی سه رویکرد درباره دخالت دولت میزبان در ارتباط با بازیگران غیردولتی ارائه کرده‌اند: (۱) به‌عنوان بخشی از ضرورت دفاع مشروع (سواری و اصلانی، ۱۳۹۱: ۶۱)؛ (۲) همدستی دولت میزبان با بازیگران غیردولتی و نقض حقوق بین‌الملل؛ (۳) نقض تعهد به دقت و مراقبت در حمایت از حقوق سایر دولت‌ها. هیچ‌یک از این رویکردها به‌طور گسترده مورد حمایت عملی و نظری قرار نگرفته‌اند، زیرا هر کدام ناتمام و فاقد توان توضیحی کافی‌اند (حکیمی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۳-۴).

برخی نویسندگان این مداخله را ذیل ضرورت دفاع مشروع تحلیل می‌کنند (ترپ، ۲۰۰۷: ۴۹۵). مطابق این دیدگاه، حق دفاع مشروع دولت قربانی پس از حمله مسلحانه بازیگران غیردولتی آغاز و محدود به ضرورت و تناسب است (علیخانی، ۱۳۹۵: ۲۷). بنابراین، اگر دولت میزبان قادر و مایل به مقابله با تهدید باشد، توسل به زور ضرورت ندارد (ساندوز، ۱۳۸۲: ۳۴۱)؛ اما در صورت ناتوانی یا عدم تمایل دولت میزبان، شرط ضرورت محقق شده و دولت قربانی می‌تواند به‌طور قانونی علیه بازیگران غیردولتی در قلمرو دولت میزبان از زور استفاده کند (تامز، دوانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۱۰۱-۹۸).

1. Hakimi  
2. Devaney



این تبیین ساده می‌نماید، اما توضیح نمی‌دهد چرا استفاده دفاعی از زور که موجب تضعیف حقوق دولت میزبان می‌شود، توجیه‌پذیر است. شرط ضرورت صرفاً به نخستین رابطه حقوقی، یعنی استثنای دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور، مربوط است و قانونی بودن استفاده از زور علیه منبع تهدید (بازیگران غیردولتی) را نشان می‌دهد؛ اما این نتیجه‌گیری چیزی درباره مشروعیت تضعیف حقوق دولت میزبان در روابط متقابل دولت‌ها بیان نمی‌کند.

رویکرد دیگر، مداخله دولت میزبان را با نظریه همدستی تبیین می‌کند. مطابق این نظر، دولت میزبان با همدستی در حمله بازیگران غیردولتی، مسئول توسل به زور دفاعی در قلمرو خود شناخته می‌شود؛ هرچند همدستی به معنای انتساب حمله به دولت میزبان نیست، بلکه نقض تعهد به عدم یاری در اعمال نادرست، مسئولیت دولت میزبان را ایجاد می‌کند (ولفروم<sup>۱</sup>، فیلیپ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲: ۵۹۴؛ ولفروم، ۲۰۰۳: ۳۸). طبق حقوق مسئولیت دولتها، همدستی در عمل نادرست یک دولت دیگر، مسئولیت همدست را به همراه دارد.<sup>۳</sup> در این صورت، دولت میزبان به دلیل کمک به بازیگران غیردولتی، مسئول توقف عمل و جبران خسارت است، نه مسئول اعمال خود آن‌ها (فیلیپ، ۲۰۱۱: ۲۶۹). با این حال، این دیدگاه به سادگی فرض می‌کند که چنین مسئولیتی مجوز توسل به زور در قلمرو دولت میزبان است، بی‌آنکه توضیح دهد چرا همدستی باید چنین پیامدی داشته باشد.

هر دو رویکرد «همدستی» و «تعهد دقت کافی» شباهت‌هایی با استدلال‌های اقدامات متقابل دارند؛ بدین معنا که نقض یک قاعده بین‌المللی می‌تواند به نقض قاعده دیگر (تجاوز به حقوق دولت میزبان) بینجامد؛ اما برخلاف اقدامات متقابل که لزوماً شامل استفاده از زور نیستند، این پرسش باقی می‌ماند که چرا نقض تعهدات در این حوزه می‌تواند مجوز واکنش مسلحانه باشد.

## ۲-۲. دفاع مشروع به عنوان عاملی برای سلب وصف نامشروع بودن

هیچ کدام از رویکردهای اخیر نتوانسته‌اند به طور دقیق توضیح قانع‌کننده‌ای برای مسأله نقض حقوق دولت میزبان در نتیجه توسل به زور تدافعی علیه بازیگران غیردولتی در قلمرو آن دولت ارائه دهند. حال، آیا ماده ۲۱ می‌تواند راه‌حل جایگزینی برای این مشکل باشد؟

در شرایطی که یک دولت علیه یک بازیگر غیردولتی در قلمرو دولت دیگری از حق دفاع مشروع استفاده می‌کند، این وضعیت در چارچوب ماده ۲۱، که به دفاع مشروع میان دولتی<sup>۴</sup>، اشاره دارد، نمی‌گنجد. به عبارت دیگر، وضعیت دولت میزبان بیشتر شبیه به وضعیتی است که در آن، یک طرف ثالث تحت تأثیر اقدام دفاعی قرار می‌گیرد. در این حالت، اقدام دفاعی میان دولت قربانی و بازیگر غیردولتی صورت می‌گیرد و دولت میزبان به عنوان یک دولت ثالث تحت تأثیر

1. Wolfrum

2. Philipp

3. ARS art 16 Commentary, at para. 10

4. Inter-State self-defence

قرار می‌گیرد. همان‌طور که در بخش پیشین اشاره شد، کمیسیون حقوق بین‌الملل به این سوال پاسخ روشنی نداده است که آیا ماده ۲۱ می‌تواند نقض حقوق دولت‌های ثالث را به دلیل اقدام دفاعی توجیه کند یا خیر و این مسئله را به شکلی باز رها کرده است. بنابراین، کمیسیون این احتمال را رد نکرده است که ماده ۲۱ ممکن است توجیه‌کننده نقض حقوق طرف ثالث باشد. از آن‌جا که ماده ۲۱ یک اثر از حق دفاع مشروع را در حقوق عرفی کشورها کدگذاری می‌کند، سوال اصلی این است که آیا طبق حقوق عرفی، اعمال دفاع مشروع می‌تواند تجاوز به حقوق طرف ثالث را مجاز کند؟

برای پاسخ به این سوال، دو مجموعه قوانین مرتبط وجود دارد: نخست، قانون بی‌طرفی<sup>۱</sup> که حقوق و تعهدات طرف‌های ثالث را در هنگام درگیری مسلحانه مشخص می‌کند. اگر یک طرف ثالث با یکی از طرف‌های درگیر ارتباط برقرار کند، حمایت بی‌طرفی خود را از دست می‌دهد و در معرض حمله از سوی طرف مقابل قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، دیگر نیازی به استناد به ماده ۲۱ نیست و حقوق بی‌طرفی خود مشکل حقوق دولت میزبان را حل می‌کند و دوم، خود حق دفاع مشروع است. در شرایط خاصی، فارغ از اینکه آیا یک دولت ثالث در حال درگیری است یا نه، یک دولت مدافع ممکن است به‌طور قانونی به حقوق دولت‌های ثالث تجاوز کند.<sup>۲</sup> سوال این‌جاست که آیا این تجاوز شامل هر یک از حقوق آن‌ها می‌شود؟ اگر چنین باشد، می‌توان این موضوع را تحت ماده ۲۱ کنوانسیون مسئولیت دولتها توجیه کرد.

### ۱-۲-۲. نقش اصل حقوق «بی‌طرفی»

در چارچوب قانون بی‌طرفی، دولت‌های بی‌طرف حق دارند که از تأثیرات درگیری‌های مسلحانه در امان بمانند و موظف به عدم مشارکت و بی‌طرفی هستند.<sup>۳</sup> اگر دولت بی‌طرفی به یکی از طرف‌های درگیری مسلحانه کمک کند، این عمل نقض وظایف بی‌طرفی آن دولت محسوب شده و در نتیجه، ممکن است در معرض اقدامات تلافی‌جویانه از سوی طرف درگیر آسیب‌دیده قرار گیرد. با این حال، این به معنای «مجازات اجباری»<sup>۴</sup> نیست، زیرا حقوق بین‌الملل استفاده از اقدامات تلافی‌جویانه مسلحانه را ممنوع کرده است. بنابراین، طرف درگیر آسیب‌دیده نمی‌تواند به‌طور قانونی علیه دولت بی‌طرف از نیروی مسلح استفاده کند.

مایکل بوت بیان می‌کند که تنها در شرایط خاصی، زمانی که نقض وظایف بی‌طرفی دولت به حدی برسد که به یک حمله مسلحانه تبدیل شود، دولت بی‌طرف ممکن است در معرض حمله اجباری قرار گیرد (بوت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). طبق نظر او، «واکنشی که بر اساس نقض بی‌طرفی باشد و منجر

1. Law of neutrality  
2. ARS art 50(1)(a).  
4. Forcible Reprisals  
5. Bothe





به استفاده از زور علیه یک دولت دیگر شود، تنها زمانی مجاز است که خود نقض قانون که باعث آن واکنش می‌شود، یک حمله مسلحانه غیرقانونی محسوب شود» (بوت، ۲۰۱۳). این معیار او تا حدودی تک‌بعدی به نظر می‌رسد؛ به‌طور مثال، کمک‌های غیرجانبدارانه‌ای که ایالات متحده، عربستان سعودی و کویت به عراق ارائه دادند، به‌هیچ‌وجه ایران را مجاز به اتخاذ اقدامات نظامی علیه این کشور نمی‌کرد.

با توجه به توضیحات اخیر، به نظر می‌رسد که استفاده از نیروی مسلح در قلمرو دولت میزبان زمانی مجاز خواهد بود که کمک‌های آن دولت به بازیگران غیردولتی به حدی برسد که به منزله یک حمله مسلحانه تلقی شود (دیتر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۲۳)؛ اما مسأله اصلی در این است که چگونه باید تعیین نمود که مساعدت‌ها به چه حدی باید برسند تا تبدیل به یک حمله مسلحانه شوند. آیا این نیاز به انتساب مستقیم به دولت میزبان دارد، یا یک حمله غیرمستقیم کافی است؟

اگر بخواهیم این مسئله را از منظر حقوق بی‌طرفانه بررسی کنیم، باید دولت میزبان به حدی درگیر با بازیگران غیردولتی یا دیگر دولت‌های درگیر در جنگ باشد که این منازعات به‌طور مستقیم به یک حمله مسلحانه علیه طرف مقابل تبدیل شود. این مسئله همان چالشی است که در حقوق بین‌الملل و به‌ویژه در ماده ۵۱ منشور ملل متحد با آن مواجهه هستیم: «در صورتی که رفتارهای بازیگران غیردولتی نتوانند به دولت میزبان نسبت داده شوند، هیچ حقی برای طرف آسیب‌دیده در استفاده از نیروی مسلح علیه یا حتی در داخل قلمرو دولت میزبان وجود نخواهد داشت.»

یکی از راه‌های ممکن برای توسعه این موضوع می‌تواند کاهش میزان دخالت دولت میزبان با بازیگران غیردولتی باشد. به‌این ترتیب، به‌عنوان مثال، عدم تمایل یا ناتوانی دولت میزبان در مقابله با این گروه‌ها ممکن است به حدی باشد که معادل دخالت محسوب شود. اما این دیدگاه نیز دو مشکل عمده دارد: نخست اینکه، نمی‌توان پذیرفت که عدم تمایل یا ناتوانی در مقابله با این گروه‌ها معادل یک حمله مسلحانه است. دوم اینکه، ممکن است بازتعریف این موضوع به‌عنوان بخشی از حق دفاع مشروع خیلی کمک‌کننده نباشد. به هر حال، با توجه به مشکلات موجود در بازتعریف مفهوم حمله مسلحانه در چارچوب حق دفاع مشروع، احتمال توسعه حقوق بی‌طرفی در این راستا بسیار کم است.

### ۲-۲-۲. دفاع مشروع و طرف‌های ثالث

حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل ممکن است به دولت‌ها اجازه دهد که در مواردی علیه طرف‌های ثالث از نیروی نظامی استفاده کنند یا دست‌کم نقض حقوق آن‌ها را توجیه کند

1. Dieter

(میخائلسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۳۶۳). نمونه‌های تاریخی شامل ایجاد مناطق جنگی یا انحصاری دریایی در دریا‌های آزاد است که آزادی ناوربری همه دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلین، ۲۰۱۱: ۲۷۵). اگرچه در گذشته این اقدامات معمولاً با استناد به حقوق جنگ طلبانه توجیه می‌شد، اما در دهه‌های اخیر استفاده از دفاع مشروع به عنوان مبنای قانونی این مداخلات افزایش یافته است.

دولت‌هایی مانند فرانسه در دوران اضطراری الجزایر (دهه ۱۹۵۰) و پاکستان در درگیری با هند (۱۹۶۵) مداخلات خود در حمل و نقل بی‌طرفانه را بر اساس دفاع مشروع توجیه کردند (هامفری<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷: ۲۹). بریتانیا نیز با استناد به دفاع مشروع، ایجاد منطقه ۲۰۰ مایلی انحصاری دریایی در اطراف جزایر فالکلند/مالویناس<sup>۳</sup> و ایجاد «جباب‌های امنیتی» اطراف کشتی‌های جنگی خود را مشروع دانست (لیکو<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸: ۵۳). بریتانیا نیز در راستای حق دفاع مشروع، ایجاد منطقه ۲۰۰ مایلی انحصاری دریایی در اطراف جزایر فالکلند/مالویناس و همچنین، ایجاد «جباب‌های امنیتی»<sup>۵</sup> در اطراف کشتی‌های جنگی خود در هنگام عبور از اقیانوس اطلس را توجیه کرده است.<sup>۶</sup> این اقدامات ابتدا محدود به کشتی‌های آرژانتینی بود، اما بعدها به هر کشتی حمایت‌کننده از آرژانتین نیز گسترش یافت.

در جنگ ایران و عراق، بریتانیا و ایالات متحده مداخله در حمل و نقل بی‌طرفانه را تحت عنوان دفاع مشروع پذیرفتند (نطاق پور، شاهقلیان قهقرخی، ۱۳۹۶: ۱۳۶). بریتانیا اعلام کرد که می‌تواند کشتی‌های تجاری خارجی را در دریا‌های آزاد بازرسی کند، اگر شواهدی از حمل سلاح برای طرف مقابل وجود داشته باشد (گری، ۱۹۸۲: ۴۲۳). ایران نیز مناطق جنگی و محاصره دریایی برای نظارت بر عبور کشتی‌ها ایجاد کرد و عراق اقدامات مشابهی را به عنوان دفاع مشروع تلافی‌کننده توجیه نمود (ممتاز، طراز کوهی، ۱۳۷۳: ۵، ۸؛ ترک زاده، ۱۳۹۸). این اقدامات از سوی دولت‌ها و شورای امنیت مورد انتقاد قرار گرفت؛ بی‌توجهی به اصل احتیاط باعث شد حملات به کشتی‌های بی‌طرف نقض قوانین بین‌المللی تلقی شود (لکو، ۱۹۸۸: ۶۴۴).

پس از ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده با دکترین «اقدام پیش‌دستانه» تهدیدات احتمالی از سوی بازیگران غیردولتی یا کشورهایی که از آن‌ها حمایت می‌کنند را مبنای توسل به زور قرار داد، حتی پیش از وقوع حمله واقعی. حمله به عراق در ۲۰۰۳ نمونه‌ای از اجرای عملی این دکترین بود که توجیهاتی چون سلاح‌های کشتار جمعی و ارتباط عراق با تروریسم داشت، اما هیچ‌یک

1. Michaelson

2. Humphrey

3. Falkland/Malvinas

4. Leckow

5. security bubbles

6. Debate on the subject of the Falkland Islands, in (1982) 53 British Yearbook of International Law (BYIL) 540 (statement by Margaret Thatcher); and the various letters to the President of the UN Security Council in (1982) 53 BYIL 539-549.



مشروعیت حقوقی بین‌المللی نیافت و شورای امنیت قطعنامه جدیدی صادر نکرد (محمدرفیعی، ۱۳۸۱: ۸۸).

این اقدامات سؤالات جدی درباره حقوق دولت میزبان ایجاد می‌کند. توسل پیش‌دستانه به زور بدون رضایت دولت میزبان و خارج از چارچوب شورای امنیت مغایر اصل تمامیت ارضی و عدم مداخله است و اگر به رویه تبدیل شود، می‌تواند نظم حقوقی بین‌المللی را تضعیف کند. توسعه مفهوم دفاع مشروع به تهدیدات بالقوه و بازیگران غیردولتی، بدون معیارهای عینی و نظارت شورای امنیت، خطر استفاده ابزاری و یکجانبه از آن را افزایش می‌دهد. در نتیجه، حمله به عراق نه تنها استثنایی مشروع در قاعده منع توسل به زور ایجاد نکرد، بلکه چندجانبه‌گرایی را تضعیف و حقوق دولت میزبان را نقض کرد و بی‌اعتمادی به نهادهای بین‌المللی را افزایش داد.

### ۳-۲-۲. تفسیر ماده ۵۱ منشور ملل متحد در خصوص دفاع مشروع

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، تفسیر ماده ۵۱ منشور ملل متحد درباره دفاع مشروع با چالش تازه‌ای روبه‌رو شد؛ زیرا تهدیدات نه از سوی دولت‌ها بلکه، از جانب بازیگران غیردولتی پدیدار شدند؛ تا پیش از آن، برداشت رایج دفاع مشروع را تنها در برابر حمله مسلحانه دولت‌ها می‌پذیرفت، اما برخی دولت‌ها و حقوقدانان بر این باورند که اگر دولتی نتواند یا نخواهد جلوی اقدامات تروریستی در قلمروش را بگیرد، دولت قربانی می‌تواند حتی بدون رضایت دولت میزبان از زور استفاده کند (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۶۰).

این تفسیر در اقدام آمریکا علیه القاعده در افغانستان متجلی شد؛ شورای امنیت نیز در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ با اشاره به «حق ذاتی دفاع مشروع»، واکنش آمریکا را تلویحاً تأیید کرد. حملات اسرائیل به حزب‌الله در لبنان و عملیات ترکیه علیه پ.ک.ک نیز بر همین مبنا توجیه شدند (متقی‌پور، ۱۳۸۲: ۳۶). در مقابل، برخی دولت‌ها و حقوقدانان این رویکرد را نقض اصل تمامیت ارضی و ممنوعیت توسل به زور دانسته‌اند (آکمان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۲۳۳).

مدافعان تفسیر مضیق تأکید می‌کنند که مسئولیت مقابله با گروه‌های غیردولتی برعهده دولت میزبان است و تنها در صورت ناتوانی کامل و تحت نظارت شورای امنیت، مداخله مشروع است. همچنین، همه اقدامات غیردولتی «حمله مسلحانه» محسوب نمی‌شوند و تنها حملات بزرگ مانند ۱۱ سپتامبر، می‌توانند چنین اعتباری داشته باشند (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۶۲).

با این حال، در عمل شاهد تضعیف حاکمیت دولت میزبان هستیم. در کشورهایی چون سوریه، یمن، عراق و سومالی، عملیات خارجی‌ها بدون رضایت میزبان یا مجوز شورای امنیت انجام شده است. این امر موجب نگرانی دولت‌های ضعیف از «مشروعیت‌زدایی از اصل حاکمیت» شده است (آلن اکتل، ۱۳۸۲: ۱۲۰۰).

1. Ackerman

نمونه دیگری از مناقشه مربوط به تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران است. توقیف نفتکش گریس ۱ در ۲۰۱۸، با انتقاد اتحادیه اروپا مواجه شد که آن را ناقض قوانین بین‌المللی دانست (درودگری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۵۱). در این زمینه نیز بحث بر سر دامنه حق دفاع مشروع و محدود یا گسترده بودن آن در مداخلات بر آزادی ناوبری ادامه دارد. ناتالی کلاین تأکید می‌کند که باید رویه‌های جدید را با گذشته مقایسه کرد، زمانی که پذیرش دفاع مشروع برای محدود کردن آزادی دریانوردی کمتر بود (کلین، ۲۰۱۱: ۲۷۵).

بر اساس پرونده نیکاراگوئه، تنها دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ می‌تواند مبنای مداخله نسبت به کشتی‌ها در تحریم‌های اقتصادی باشد و عبور بی‌ضرر اصل حاکم است؛ مگر آنکه صلح و امنیت دولت ساحلی مختل شود (درودگری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۵۲). این امر نشان‌دهنده تمایل دولت‌ها به پذیرش نقض حقوق دولت‌های ثالث هنگام اعمال دفاع مشروع است. موضع بریتانیا نیز توجیه می‌کند که در صورت وجود ظن معقول از ارتباط میان دولت ثالث و مهاجم، نقض حقوق آزادی ناوبری مجاز است (پولات، ۲۰۱۹: ۳۳).

اگر این منطق به سناریوی بازیگران غیردولتی تعمیم یابد، می‌توان دفاع مشروع علیه آنان را حتی با نقض حقوق دولت میزبان توجیه کرد؛ مشروط بر وجود ارتباط واقعی میان دولت میزبان و مهاجم. در این چارچوب، استفاده از زور با ماده ۵۱ توجیه می‌شود و نقض حقوق دولت ثالث با ماده ۲۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ زیرا این ماده شرایط «معاف از نقض» را پیش‌بینی می‌کند و تنها استثنایی است که می‌تواند نقض تعهدات مرتبط با استفاده از زور را مشروعیت بخشد (پولات، ۲۰۱۹: ۳۶).

در نهایت، تعارض میان تفسیر توسعه‌گرا و محدودکننده از ماده ۵۱ بیانگر اختلاف بنیادین در فهم حقوق بین‌الملل و تغییر ماهیت تهدیدات است. نبود اجماع یا اصلاح صریح منشور موجب شده تفسیر از دفاع مشروع همچنان مبهم و محل مناقشه باقی بماند و نیازمند توازنی میان امنیت دولت‌ها و صیانت از حاکمیت دولت‌های میزبان باشد.

## بحث و نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، مسئله توسل به زور علیه بازیگران غیردولتی یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در حقوق بین‌الملل بوده است. از یک سو، دولت‌ها نمی‌توانند در برابر تهدیدهای ناشی از حملات گروه‌های غیردولتی بی‌دفاع بمانند و حفظ امنیت ملی و امنیت شهروندانشان مستلزم اقدام است. از سوی دیگر، هرگونه مداخله در قلمرو دولت دیگر، نقض حاکمیت ملی آن و تعارض با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. این تعارض موجب شده که تعریف و تعیین حدود



مشروعیت دفاع مشروع در مقابل بازیگران غیردولتی به چالشی جدی تبدیل شود. پذیرش تدریجی حق دفاع مشروع علیه گروه‌های غیردولتی در حال گسترش است، اما هنوز اجماع جهانی در این زمینه شکل نگرفته و توجیه قانونی توسل به زور در سرزمین دولت میزبان با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه است.

پژوهشگران و حقوق‌دانان با ارائه دیدگاه‌های مختلف تلاش کرده‌اند تا این نوع مداخلات را توجیه کنند. برخی بر اصل «ضرورت» دفاع مشروع تأکید دارند و آن را تنها راه پاسخگویی به تهدیدهای امنیتی می‌دانند. گروهی دیگر دولت میزبان را به دلیل همکاری ضمنی یا قصور در جلوگیری از فعالیت گروه‌های غیردولتی، «همدست» می‌دانند و برخی نیز با استناد به نقض تعهد دولت میزبان در کنترل این گروه‌ها، توسل به زور را قابل‌پذیرش می‌دانند. با این حال، هیچ‌یک از این رویکردها به طور کامل قادر به حل تناقض بین حق دفاع دولت‌ها و احترام به حاکمیت دولت میزبان نیستند.

در این میان، پژوهش حاضر رویکرد نوینی ارائه می‌دهد که بر ماده ۲۱ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها مبتنی است. این ماده، دفاع مشروع را به‌عنوان یکی از شرایط توجیه‌کننده رفتار ناقض تعهد بین‌المللی معرفی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، اگر توسل به زور بر پایه ماده ۵۱ منشور ملل متحد به عنوان دفاع مشروع تلقی شود، دیگر نمی‌توان آن را به‌عنوان نقض حقوق دولت میزبان یا تجاوز به حاکمیت آن محسوب کرد. این رویکرد تلاش می‌کند پیوند میان ماده ۵۱ منشور و ماده ۲۱ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها را برقرار کند و چارچوبی حقوقی و منسجم برای مشروعیت اقدامات نظامی علیه بازیگران غیردولتی در سرزمین دولت میزبان فراهم آورد.

با این حال، موانع حقوقی و عملی همچنان قابل توجه هستند. از منظر حقوقی، حمله‌ای که دفاع مشروع را فعال می‌کند، باید غیرقانونی باشد؛ در غیر این صورت، مفهوم دفاع مشروع دچار دور باطل شده و هر دولت یا گروه می‌تواند با ادعای دفاع، توسل به زور را توجیه کند. افزون بر این، در حقوق بین‌الملل هنوز ممنوعیت مشخصی برای توسل به زور از سوی بازیگران غیردولتی وجود ندارد و این خلاء قانونی چالش مضاعفی ایجاد می‌کند. نمونه‌های معاصر، مانند حمله ۷ اکتبر حماس و واکنش نظامی اسرائیل، پیچیدگی مسئله را بیشتر نشان می‌دهند؛ زیرا شناسایی یا عدم شناسایی دولت و تفسیر ماده ۵۱ منشور در این شرایط، محل اختلاف است.

موضوع گسترش مفهوم حمله مسلحانه نیز اهمیت دارد. برخی پژوهش‌ها پیشنهاد کرده‌اند که حملات مستمر و پراکنده بازیگران غیردولتی، به ویژه زمانی که تهدیدی سازمان‌یافته برای امنیت ملی ایجاد کنند، می‌تواند به‌عنوان حمله مسلحانه محسوب شود. این رویکرد تلاش دارد شکاف میان ماده ۲(۴) و ماده ۵۱ منشور را کاهش دهد و امکان توسل به دفاع مشروع را در مقابل تهدیدات کم‌شدت یا پراکنده فراهم آورد. با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به این



تفسیر محتاط است و هنوز اجماع حقوقی بر پذیرش آن شکل نگرفته است، هرچند برخی دولت‌ها برای توجیه اقدامات خود از آن بهره می‌برند.

در چارچوب حقوق اسلامی، دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی تنها زمانی مشروعیت می‌یابد که سه اصل رعایت شوند: وقوع تجاوز قطعی، ضرورت اقدام و تناسب دفاع. اسلام با تأکید بر ماهیت دفاعی جهاد، ضمن به رسمیت شناختن حق مقابله با تهدیدات امنیتی، مرزهای دقیقی برای این حق تعیین کرده است؛ از جمله حفظ حرمت تمامیت ارضی دولت میزبان، تفکیک نظامیان از غیرنظامیان و پرهیز از اقدامات تلافی‌جویانه. در این چارچوب، توسل به زور همواره آخرین راه حل است و باید با رعایت موازین شرعی و اصول بشردوستانه همراه باشد؛ به گونه‌ای که ضمن تأمین امنیت جمعی، حقوق دولت میزبان و اصول حقوق بشردوستانه نیز حفظ شود.



## منابع

## کتاب‌ها

- ممتاز، جمشید، (۱۳۸۴). مجموعه مقالات پیرامون: رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- خسروی، علی اکبر (۱۳۷۴). حقوق بین‌الملل دفاع مشروع، تهران، موسسه فرهنگی آفرینه.
- کاسسه، آنتونیو (۱۴۰۳). نقش زور در روابط بین‌الملل، ترجمه مرتضی کلاتریان، تهران، آگاه.

## مقالات

- احمدی فرد، مرتضی؛ خاتمی، مهدی؛ آزادبخت، فرید (۱۴۰۲). نظریه انباشت وقایع در توسل به دفاع مشروع بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۷۰.  
<https://doi.org/10.22066/cilamag.2023.706167>
- آلن اکتل، ماری (۱۳۸۲). مشروعیت توسل به زور علیه عراق، بررسی نظریه پیش‌دستی در دفاع از خود، ترجمه سیدحسن سادات میدانی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۸، شماره ۱.  
[https://jms.ihu.ac.ir/article\\_202930.html](https://jms.ihu.ac.ir/article_202930.html)
- بیگدلی، محمدرضا ضیائی (۱۳۷۰). مشروعیت جنگ و توسل به زور از دید حقوق بین‌الملل، مجله سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات بین‌المللی، شماره ۵.
- ترک‌زاده، محمدحسین، (۱۳۹۸). تردد کشتی‌های نظامی در آب‌های بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل، چهارمین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان.  
<https://civilica.com/doc/1001239/>
- حاجی‌خواجه‌لو، علی بزمی؛ (۱۳۹۸). اثرسنجی و پیامدسنجی اصول حاکم برخط و مشی و دیپلماسی کشورهای جهان غرب در وقوع جنگ ایران و عراق، دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۲.  
[https://fndm.ihu.ac.ir/article\\_205112.html](https://fndm.ihu.ac.ir/article_205112.html)
- دروگری، ریحانه؛ زیاری، حاتم؛ میرلواسانی، سمیه‌سادات (۱۴۰۲). مداخله در کشتی‌رانی بین‌المللی با مطالعه موردی توقیف نفت‌کش‌ها توسط کشورها در اجرای تحریم‌های فرامرزی داخلی و بین‌المللی، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۵۶.  
<https://doi.org/10.48300/jlr.2022.359891.2165>
- ساندوز، ایو، (۱۳۸۲). مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها، ترجمه حسن سواری، مجله حقوقی، شماره ۲۹، پاییز.  
[sid.ir/paper/433228/fa](http://sid.ir/paper/433228/fa)
- سواری، حسن؛ اصلانی، خهبات، (۱۳۹۱). عملیات مسلحانه بازگیران غیردولتی علیه کشورها: تشکیک در قواعد حاکم بر توسل به زور، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیستم و نهم، شماره ۴۶.  
<https://doi.org/10.22066/cilamag.2012.16561>

-ظریف، محمدجواد؛ آهنی امینه، محمد. (۱۳۹۱). دفاع مشروع پیش‌دستانه و مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقش مکرر منشور ملل متحد، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۱۲.

[sid.ir/paper/172921/fa](http://sid.ir/paper/172921/fa)

-عبداللهی، محسن؛ بهزادی، کیوان، (۱۳۹۹). موانع آمره‌بودن قاعده منع توسل به زور، نشریه حقوقی بین‌المللی سال ۳۷، پاییز و زمستان، شماره ۶۳.

<https://doi.org/10.22066/cilamag.2020.114134.1786>

-عزیزی، ستار؛ نظری، خاطره (۱۳۹۳). حدود دفاع مشروع دولت قربانی علیه کنشگران غیردولتی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۴.

[https://interpolitics.guilan.ac.ir/article\\_136\\_3.html](https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_136_3.html)

-علیخانی، مهدی، (۱۳۹۵). قاعده منع توسل به زور و دفاع مشروع در شرایط قابل‌پیش‌بینی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۴.

[https://www.isjq.ir/article\\_93472.html](https://www.isjq.ir/article_93472.html)

-فلسفی، هدایت‌الله، (۱۳۷۱). روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل شناخت منطقی حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰.

[https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56461.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56461.html)

-قاسمی بیورزنی، قاسم و همکاران (۱۴۰۰). توسل به زور به منظور دفاع از خود در اسلام با نگاهی به دیدگاه امام خمینی، پژوهش‌نامه متین، سال ۲۵، شماره ۹۸.

<https://doi.org/10.22034/matin.2021.289956.1891>

-متقی‌پور، ابراهیم، (۱۳۸۲). عملیات پیش‌دستی‌کننده و تصاعد بحران در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۷ و ۳۶.

[https://jpir.journals.umz.ac.ir/article\\_3919.html](https://jpir.journals.umz.ac.ir/article_3919.html)

-محمدرفیعی، سیدکمال‌الدین (۱۳۸۱). حادثه یازده سپتامبر؛ جنگ علیه تروریسم و حاکمیت و امنیت دولت‌ها، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۸ و ۳۹.

[https://dpj.ihu.ac.ir/article\\_202950.html](https://dpj.ihu.ac.ir/article_202950.html)

-محمدی، عقیل؛ عابدینی، عبدالله؛ کیانی، امیرعباس (۱۴۰۲). «توسل به زور در حقوق بین‌الملل: مورد مطالعاتی محاصره ۲۰۲۳ حماس و اسرائیل، مجله مطالعات حقوقی دوره شانزدهم، شماره اول.

<https://doi.org/10.22099/jls.2024.49148.5074>

-ممتاز، جمشید؛ طراز کوهی، حسین (۱۳۷۳). حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طور جنگ عراق و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۲، شماره ۳.

[https://jflps.ut.ac.ir/article\\_15181.html](https://jflps.ut.ac.ir/article_15181.html)

-نطاق‌پور، مهدی؛ شاهقلیان قهقرخی؛ رضا (۱۳۹۶). جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در نگرش اندیشمندان دفاعی و امنیتی، دو فصلنامه مطالعات مقدس و نبردهای معاصر، دانشگاه افسری و پاسداری امام حسین، سال ۲، شماره ۲.

<https://civilica.com/doc/1403163/>

## Books



- Baxter, R.R., (1980). *International Law in "Her Infinite Variety"*, 29 ICLQ 549. (New York, Unpublish.
- Fleck, Dieter (2013). (ed.), *Handbook of International Humanitarian Law* (3rd ed.) Oxford University Press
- Helmersen, Jan (2014). 'The Prohibition of the Use of Force as Jus Cogens: Explaining Apparent Derogations'. *Netherlands International Law Review*, Published online by Cambridge University Press: 22 August.
- Helmut Philipp Aust, (2011). *Complicity and the Law of State Responsibility*, Cambridge: Cambridge University.
- Jorg. Kammerhofer, (2011). *Uncertainty in International Law: A Kelsenian Perspective*, (Routledge).
- Mark Weller, (2015). *Oxford Handbook of the Use of Force in International Law*, Oxford, at 1161, 1172-1175.
- Natalie, Klein, (2011). *Maritime Security and the Law of the Sea*, (Oxford University Press, at 275.
- Stephen C. Neff, (2005). *War and the Law of Nations*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ruys, Tom, (2010). 'Armed Attack' and Article 51 of the UN Charter," Volume2, (Cambridge University Press.

### Articles

- Bothe, Michael (2013). "The Law of Neutrality". Oxford Scholarly Authorities on International Law, at: <https://doi.org/10.1093/law/9780199658800.003.0011>.
- Debate on the subject of the Falkland Islands, in (1982). 53 *British Yearbook of International Law* (BYIL) 540 (statement by Margaret Thatcher)
- Deeks, A. M, (۲۰۱۱). 'Unwilling or Unable', ۱۰۰ *American Journal of International Law* (AJIL), ۴۹۵-۴۹۴.
- Gray, C, (1982). 'The British Position on the Falkland Islands Conflict; 53 BYIL 540 at 423, quoted by Humphrey.
- Hakimi, Monica (۲۰۱۵). 'Defensive Force against Non-State Actors: The State of Play', ۹۱ *International Law Studies Series*, US Naval War College, ۱ at ۴-۳.
- Humphrey, D., (1997). 'Belligerent Interdiction of Neutral Shipping in International Armed Conflict', 2 *J Conflict & Security Law* 23.
- Humphrey, D.R., (1997). "Belligerent Interdiction of Neutral Shipping in International Armed Conflict," *Journal of Conflict & Security Law*, Vol. 2.
- Kate, Trapp, (۲۰۰۷). 'Back to Basics: Necessity, Proportionality, and the Right of Self-Defence against Non-State Terrorist Actors', ۱۶ *International and Comparative Law Quarterly (ICLQ)*, ۱۴۱.
- Leckow, R., (1988). 'The Iran-Iraq Conflict in the Gulf - The Law of War Zones', 37 *ICLQ* 629.
- Michaelsen, Christopher, (2003). 'Maritime Exclusion Zones in Times of Armed Conflict at Sea: Legal Controversies Still Unresolved', *Journal of Conflict & Security Law*, 8, 363.
- Paddeu, Federica, (2015). "Self-Defence as a Circumstance Precluding Wrongfulness: Understanding Article 21 of the Articles on State Responsibility." *British Yearbook of International Law*, Planck, Max, *Yearbook of United Nations Law* (Max Planck Ybk UN Law), 559.
- Rudiger, Wolfrum & Christiane Philipp, (۲۰۰۲). 'The Status of the Taliban: Their Obligations and Rights under International Law.'
- Ruys, Tom and Verhoeven, Sten. (2005). "Attacks by Private Actors and the Right of Self-Defence," 10 *J Conflict & Security Law* 289.

- Tams Christian & James Devaney, (۲۰۱۲). 'Applying Necessity and Proportionality to Anti-Terrorist Self-Defence', ۴۵ *Israel Law Review* (Israel LR), ۹۱ at ۱۰۱-۹۸.
- Tams Christian J.. (2009). 'The Use of Force against Terrorists: A Reply to Christian J Tams'. *European Journal of International Law*, 20, 1049-1050.
- Trapp, K. (۲۰۰۷). 'Back to Basics: Necessity, Proportionality, and the Right of Self-Defence against non-State Terrorist Actors', ۵۶ *ICLQ* ۱۴۱
- Tsgourias, N. (2023). *Israel – Hamas 2023 Symposium – Israel's Right to Self-defense against Hamas*, (1 December 2023), at: <https://lieber.westpoint.edu/israels-right-self-defence-against-hamas/>
- Wendel, Philip, (2007). *State Responsibility for Interferences with the Freedom of Navigation in Public International Law*, DOI:10.1007/978-3-540-74333-0, ISBN: 978-3-540-74332-3
- Wolfum, R., (2003). 'The Attacks of September 11, 2001, the Wars Against the Taliban and Iraq: Is There a Need to Reconsider International Law on the Recourse to Force and the Rules in Armed Conflict?', 7 *Max Planck Yearbook of United Nations Law (Max Planck Ybk UN Law)*, 1.
- Wright, Quincy. "When does War Exist?" *American Journal of International Law*, 26, 362-363.
- Yunusov, Pulat. (2019). 'War and the Law of Nations: A General History. *Osgoode Hall Law Journal*, Volume 47, Number 2 (Summer 2009)

### Legal Documents

- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v Serbia) (2015). ICJ, Judgment of 3 February 2015.
- Case Concerning Military and Paramilitary Activities In and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America); Merits, International Court of Justice (ICJ), 27 June 1986.
- Crawford, James., (1999). Second Report on State Responsibility, UN Doc. A/CN.4/498 and Add.1-4.
- ICJ Advisory Opinion on the Legal Consequences of the Construction of a Wall in the OPT – ICJ document, 9 July 2024.
- International Law Commission (ILC) on the Draft Articles on State Responsibility.
- International Law Commission (ILC), Commentary to Article 34, Report of the Commission on the Work of its Thirty-Second Session, UN Doc. A/35/10 (1980) Iran statement, Oil Platforms, CR 2003/5, at 41, para. 29. (references omitted).
- Iran-US Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Rights, 1957, 284 UNTS 93.
- James Crawford, (1999). Second Report on State Responsibility, UN Doc. A/CN.4/498 and Add.1-4, at 76.
- Nicaragua, Memorial of Nicaragua (1985). ICJ Pleadings, vol. IV, at 115.
- North Atlantic Coast Fisheries Case (Great Britain/US) (NATIONS UNIES - UNITED NATIONS, 1910) 11.
- Uganda Memorial, DRC v Uganda, at 232-3.
- US Rejoinder, Oil Platforms, at 141.